

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به همت جمعی از "طلاب علاقمند
به حوزه اخلاق" برگزار می گردد:

فلسفه اخلاق کارگاه

اتنازی و معضلات اخلاق آن



دکتر

احمدرضا همتی مقدم

مدیر گروه فلسفه ذهن، دین و روشکده علوم شناختی



همراه با معرفی کتاب «Epistemic Authority»
توسط: علی کلانے

زمان: یکشنبه ۱۰ بهمن ماه. ساعت ۱۶

مکان: قم. بلوار محمدامین (م). کوچه ۱۳. پلاک ۲۹

عضو سامانه پیامک ما شوید ۱۰۰۰۲۵۳۲۹۴۲۷۷۰



www.Telegram.me/EthicHouse



خانه اخلاق ایران جوان

www.EthicsHouse.ir



کارگاه فلسفه اخلاق، اتانازی و معضلات اخلاق

ارائه توسط دکتر احمد رضا همتی مقدم

نوشته: فاطمه شریفیان

آقای همتی مقدم بخش نخست جلسه را به بررسی مفهوم اتانازی پرداخت و در بخش دوم وارد بحث های اخلاقی اتانازی شدند. وی بحث خود را این گونه شروع کرد که با توجه به پیشرفت دانش پزشکی مفاهیمی مانند حیات، مرگ، بیماری نیاز به بازبینی و تعریف مجدد دارد. مهم ترین اصطلاحی که در رابطه با مفهوم مرگ به کار می رود اتانازی است. شورای اخلاقی و قضایی انجمن پزشکی امریکا تعریفی از اتانازی ارائه داده است: اتانازی عمل ایجاد مرگ در یک بیمار لاعلاج است که یک رنج غیر قابل تحمل دارد، با روشی بسیار سریع و بدون مرگ با دلایل ترحم انگیز. اتانازی را به چند نوع تقسیم بندی کرده اند: اتانازی فعال داوطلبانه، اتانازی فعال غیر داوطلبانه، اتانازی غیر فعال غیر داوطلبانه، اتانازی فعال اجباری، اتانازی غیر مستقیم و خودکشی با همراهی پزشک. دکتر همتی مقدم هر یک از این انواع را چنین تعریف کرد:

اتانازی فعال داوطلبانه: تزریق عامدانه دارو یا هر اقدام دیگری که منجر به مرگ می شود و با تقاضای صریح بیمار یا رضایت کاملاً آگاهانه او انجام می شود. هم قصد پزشک خاتمه زندگی است و هم خود بیمار قصد مردن دارد و شرط دیگر این است که بیمار به لحاظ استانداردهای پزشکی لاعلاج باشد.

اتانازی فعال غیر داوطلبانه: تزریق عامدانه دارو یا هر اقدام دیگری که منجر به مرگ بیمار شود اما در این حالت بیمار صلاحیت تصمیم گیری ندارد، پزشک یا تیم پزشکی درخواست برای اقدام به مرگ می کنند.

اتانازی فعال اجباری: تزریق عامدانه دارو یا هر اقدام دیگری که منجر به مرگ بیمار شود در این حالت بیمار صلاحیت تصمیم گیری دارد و هیچ درخواستی نمی کند ولی پزشک یا تیم پزشکی او را می کشند.

اتانازی غیر فعال: پزشک کاری انجام نمی دهد، یا درمان را شروع نمی کند یا درمان برای بهبودی را قطع می کند.

اتانازی غیر فعال داوطلبانه: بیمار درمان را نمی پذیرد تا در مرگش تسریع شود.



اتانازی غیر فعال غیر داوطلبانه: خود بیمار صلاحیت تصمیم گیری ندارد ولی پزشک درمانی برای بهبودی انجام نمی دهد.

اتانازی غیر مستقیم: در این حالت قصد کشتن نیست اما برای رفع درد، ضد دردهای مخدر یا داروهای دیگر برای تسکین بیمار تزریق می شود و باعث مرگ بیمار می شود.

خود کشی با همکاری پزشک: در این حالت پزشک داروها یا اقدامات دیگر را برای بیمار فراهم می کند با توجه به این که او می داند قصد بیمار از آن ها خود کشی است.

دکتر همتی مقدم تصریح کرد؛ به لحاظ حقوقی و قانونی احکام مختلفی بر هر نوع اتانازی مترتب است. به طور مثال خود کشی با همکاری پزشک در خیلی از ایالت های امریکا قانونی است. همچنین مباحث اتانازی در سه حوزه مطرح می شود: یا در قالب اتانازی و مفهوم مرگ یا در مورد وضعیت اخلاقی اتانازی و یا در مورد وضعیت حقوقی اش بحث شده است. در مورد مفهوم مرگ و اتانازی در دو پرسش هستی شناسانه و معرفت شناسانه مطرح می شود؛ مرگ چیست؟ و چه معیاری وجود دارد که بدانیم کسی مرده است؟ قبل از پرداختن به بحث های اخلاقی اتانازی پرداختن به این پرسش ها مهم است.



آقای همتی مقدم با طرح مهم ترین سؤالی که در حوزه ی اخلاقی بحث اتانازی مطرح است به بخش دوم سخنان خود که بررسی اخلاقی اتانازی است وارد شد، این پرسش این است که آیا "اتانازی اخلاقاً مجاز است؟" برای پاسخ به این سؤال باید به انواع مختلف اتانازی بازگردیم. همان طور که گفته شد اتانازی را به دو دسته فعال و غیر فعال تقسیم بندی می کنند اصل بحث اخلاقی اتانازی بر محور همین دو نوع کلی اتانازی است. معیار تمایزی که بین فعال و غیر فعال است این است که فعال به معنی عمل کردن است و انفعالی به این معنا است که هیچ کاری انجام نگیرد. بنابر این معیار اتانازی فعال می شود انجام هر کاری که منجر به مرگ شود و اتانازی انفعالی می شود عدم انجام کاری برای مرگ یا بهبودی، ولی

انجام ندادن کار باعث مرگ بیمار می شود. در اتانازی غیر فعال بیماری است که منجر به مرگ می شود ولی در اتانازی فعال عامل انسانی است که باعث مرگ می شود. حال سؤال این است که آیا به لحاظ اخلاقی بین این دو نوع تفاوت معناداری وجود دارد؟ اگر این تفاوت وجود داشته باشد آیا این تفاوت می تواند تأثیر حقوقی داشته باشد؟ اصل بحث اخلاقی اتانازی حول محور همین پرسش از تفاوت میان اتانازی فعال و غیر فعال است.

غالب کشورها و حقوقدان ها با اتانازی فعال مخالفند ولی پذیرش اتانازی غیر فعال بیشتر است، دلیلش هم است که غالباً فکر می کنند به لحاظ اخلاقی اتانازی غیر فعال مجاز است. پرسش را چرئی تر می کنیم که آیا اتانازی غیر فعال اخلاقاً مجاز است؟ چرا فکر می کنیم اتانازی غیر فعال اخلاقاً مجاز است؟ ادعای اصلی این است که خیلی ها فکر می کنند تفاوت فعال و غیر فعال تفاوت میان killing (کشتن) و letting to die (اجازه به مرگ) است. اگر میان کشتن کسی و این که اجازه دهیم او بمیرد تفاوت به لحاظ اخلاقی وجود داشته باشد پس باید بپذیریم بین اتانازی فعال و غیر فعال هم تمایز وجود دارد.

استدلال هایی که می گویند بین اتانازی فعال و غیر فعال تمایز وجود دارد به دو دسته کلی تقسیم می شوند. بعضی می گویند بین کشتن کسی و اجازه به مرگ کسی تفاوت ذاتی وجود دارد بنابراین اگر بپذیریم اتانازی فعال هم مصداقی از کشتن است و اتانازی انفعالی مصداقی از letting to die است بنابراین باید بین این دو تمایز قائل شد. استدلال هایی که در این دسته هستند دو شکل دارند یک سری مبتنی بر مبانی الهیاتی هستند و یک سری استدلال های مبتنی بر مقدمات الهیاتی نیست. دسته ی دیگر استدلال ها که می گویند بین اتانازی فعال و غیر فعال تمایز وجود دارد استدلال هایی هستند که کاری به تمایز killing و letting to die ندارند، این استدلال ها به نتایج و پیامدهای اتانازی فعال اشاره دارند و می گویند اتانازی فعال نتایجی دارد که به لحاظ اخلاقی خیلی بد است ولی اتانازی غیر فعال آن نتایج را ندارد. بنابراین کسانی که می گویند بین اتانازی فعال و غیر فعال تمایز است دو دسته هستند یک دسته به نتایج اتانازی فعال ارجاع می دهند، دسته ی دیگر تمایز میان اتانازی فعال و غیر فعال را به خاطر تمایز killing و letting to die می دانند.



چگونه ممکن است کسی بدون توسل به مبانی دینی و مبانی الهیاتی بتواند استدلال کند میان killing و letting to die تفاوت معنا دار وجود دارد حتی اگر نتایج یکسان داشته باشند؟ تنها راه، توسل به شهودها یا احساسات اخلاقی است. اگر killing و letting to die در همه ی جنبه های اخلاقی با هم تفاوتی نداشته باشند پس تفاوت در شهودها به جنبه های اخلاقی برمی گردد، ولی اگر شرایط و متغیرها کاملاً یکسان باشد و بگویید در شرایط کاملاً یکسان

killing و letting to die با هم تفاوت دارند بنابراین این دو به لحاظ اخلاقی تفاوت ذاتی دارند. تز این است که به

لحاظ اخلاقی killing و letting to die به یک اندازه بد هستند. خیلی ها از این تز دفاع می کنند و استدلال هایی هم به نفع این نگرش می آورند. مهمترین استدلال ها در این حوزه استدلال های موازی هستند.

دکتر همتی مقدم در پایان، به یک نمونه استدلال در این حوزه پرداخت و بیان کرد: راشل مهم ترین استدلال این مبحث را در مقاله خود آورده و نتیجه گرفته است به لحاظ اخلاقی بین killing و letting to die تفاوتی وجود ندارد و هر دو به یک اندازه بد هستند. استدلال او این است که اتانازی فعال مانند killing است و اتانازی غیر فعال مانند letting to die است، بین killing و letting to die تمایزی وجود ندارد، بنابراین میان اتانازی فعال و انفعالی تمایزی وجود ندارد. راشل دو سناریو می چیند و تنها تفاوت این است که در یکی فرد کسی را می کشد و در مورد دیگر اجازه می دهد کسی کشته شود، و سؤال می کند آیا مسئولیت کار کسی که اجازه به کشتن می دهد کمتر از کسی است که دست به کشتن می زند؟ وی چنین نتیجه ای نمی گیرد و مسئولیت هر دو کار را به یک اندازه می داند.

